

تشدور مومسن، ژول میشله و فرناند پرودل نمایندۀ سه دیدگاه از تاریخ و سه مفهوم از هویت هستند. اما یک امر در هر سه آنها مشترک بود: علاقه به متوجه کردن همگان از اهمیت مطالعه گذشته. شاید دیدگاه پرودل از آن دو نفر دیگر گسترده تر باشد. پرودل در پاسخ به حرف مارک بلوخ که «چیزی به نام تاریخ فرانسه وجود ندارد، ما فقط تاریخ اروپا داریم» گفته بود «چیزی به نام تاریخ اروپا وجود ندارد، ما فقط تاریخ جهان داریم.»

ویرانه‌های روم باستان  
در تاریک روشن سحرگامی



شعبه‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

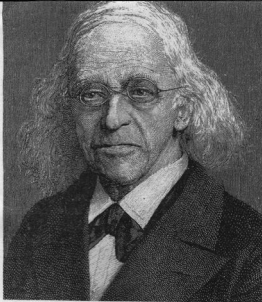
# تاریخ و هویت



پروہشکاد علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

# تئودور مومسن

## میهن پرست دوآتشه



تئودور مومسن (۱۹۰۳ - ۱۸۱۷)

تئودور مومسن (۱۹۰۳ - ۱۸۱۷) به عنوان یک مورخ عهد عتیق و در ضمن یکی از بزرگترین نویسندگان آلمانی زبان، سهم بزرگ و به‌سزایی را در معرفی و شناختن روم باستان داشته است. کتاب تاریخ روم او که سه جلد اول آن بین سالهای ۱۸۵۴ تا ۱۸۵۶ منتشر شد برای او جایزه ادبی نوبل سال ۱۹۰۲ را به ارمغان آورد.

مومسن اولین مورخی بود که در مطالعات تاریخی خود از فقه، زبان‌شناسی و تاریخ ادبیات گرفته تا کسبیه‌شناسی، سکشناسی و باستانشناسی را منظور کرد. کتاب تاریخ روم او در آن واحد اثری سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی به شمار می‌رود و تصویری که او از دولت روم در اثر دیگر خود قانون اساسی روم (۱۸۸۸ - ۱۸۷۹) ارائه می‌دهد سالها به عنوان یک اثر معتبر موردنویس بوده است. از نظر مومسن دولت روم اساساً از ارتباط متقابل سه نهاد هیئت دادرسان، سنا و جامعه شهروندان تشکیل شده بود که قوانین عمومی و جزایی از میان آنها نشأت می‌گرفت. در این مورد هم مومسن اولین فردی است که در این زمینه مطالعات منطقی داشته است (قانون جزایی روم، ۱۸۹۹). اما به هر حال از نظر مومسن نهاد اصلی چه در جمهوری روم و چه در رژیم سلطنتی روم قدیم هیئت دادرسان بوده است.

مومسن در مطالعه و تحقیق تاریخ عهد عتیق چه با آثارش و چه با قابلیت‌های شخصی خود به عنوان یک سازمان‌دهنده تحولی صورت داد و او هم به این صورت بود که او تحقیقات علمی مربوط به زمان گذشته را با امکانات و سائل تحقیقی عالی مجهز کرد. او با جمع‌آوری مجموعه کتیبه‌های لاتینی (Corpus Inscriptionum Latinarum) بوده و نقشی اساسی در تهیه آن داشته است.

کتاب تاریخ روم او در سالهای بعد از شکست انقلاب ۱۸۴۸ نگاشته شد، زمانی که امید وحدت آلمان توسط نیروهای لیبرالیزم و دموکراسی، از دست رفته بود و مومسن که اعتقاد زیادی به یگانگی آلمان می‌داد عمیقاً تحت تأثیر این موضوع قرار گرفته بود. در آن زمان او سیاست پروس را که توسط بیسمارک به اجرا درمی‌آمد مورد پشتیبانی قرار داد و در ابتدا مشتاقانه از اتحادی که در ۱۸۷۱ به دست آمد استقبال نمود.

او یک ترازوی تاریخی بین روم و پروس می‌دید. به این ترتیب که همچنان که مأموریت روم اتحاد ایتالیا بود، نقش پروس نیز یگانگی آلمان به شمار می‌رفت و از نظر او بین تاریخ روم و زمانه‌ای که او در آن می‌زیست مشابهتی وجود داشت.

او زولیوس سزار را معمار دولت روم می‌دانست و معتقد بود که تحت فرمانروایی سزار آزادی شهروندی از طریق توازن مطلوبی که بین دولت، قانون، وفاداری و آزادی وجود داشت تضمین می‌شد. اما تحول امپراطوری روم تحت فرمانروایی آگوستوس و بخصوص فقدان آزادهای نقشه‌های سزار و از میان بردورویای ایجاد یک ملت ایالتی - هلنیک هرگز به واقعیت نیوست. اثر مومسن تا مرگ سزار پیش می‌آید و مجلدی که مقرر بود به تاریخ Princesse، یعنی اولین مراحل سلطنت آگوستوس بپردازد هرگز منتشر نشد.

مومسن همانگونه که امپراطوران روم را نمی‌ساختند بیسمارک را نیز به دلیل آنکه جاسم آلمان را از ابعاد دموکراسی و مجلس آنرا از قدرت سیاسی محروم کرده بود مورد سرزنش قرار داد. او از رفتار و روش بورژوازی آلمان که از داشتن قدرت و موفقیت خشنود بوده و بدون داشتن آزادهای معنی واقعی می‌تواند مأمور شده بود. مومسن در وصیت‌نامه خود می‌نویسد من همیشه یک موجود سیاسی بوده‌ام و آرزوی منم آنست که یک شهروند باشم. اما این امر در چارچوب ملت ما که سرنشود حتی بهترین افسران آن نظمی گری و فردپرستی سیاسی است. امکان پذیر نبوده است. مومسن مورخ زمانه خویش است و حتی اگر ما همچون او برای تاریخ هدفی را منظور نکنیم باز هم می‌توانیم درباره برداشت او از وظایف یک مورخ تعجب نماییم. او می‌نویسد هر فردی که تاریخ و بخصوص تاریخ زمان حال را می‌نویسد نوعی وظیفه تعلیم سیاسی به عهده دارد. او می‌باید افرادی را که برای آنان می‌نویسد یاری کند تا رفتار و روش آنها خود را نسبت به دولت انتخاب و توجیه کنند.

هنترک بروس



زولیوس سزار

(۲۳۰ - ۱۰۰ ق م)



اوتو فن بیسمارک - شهروان

(۱۸۸۸ - ۱۸۱۵)